

۵۱۱۴۳۹

به گام و توان و نیکی و آمرزیداری یزدان

۹۴۷-۵

۹۳۷۰۵۵
۹۳۷۰۵۵



دانشکده هنر و معماری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهش هنر

بیکره های «خدایانوان بلاروزی» بر تمدنهای پیش از تاریخ
(با تکیه بر فرهنگهای ایرانی)

صدرالدین طاهری

استاد راهنما:

پروفسور محمود طاووسی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا هژبری نوبری

۱۳۸۷ / ۱۹ / ۱۲

تیر ماه ۱۳۸۷

۹۳۷۰۵۵

آفریدگارا!

روان جهان به درگاہت گلہ مند است.

برای چه مرا آفریدی؟

خشم و ستیز، چپاول و غارت،

ستم و گستاخی به من آزار رسانیده؛

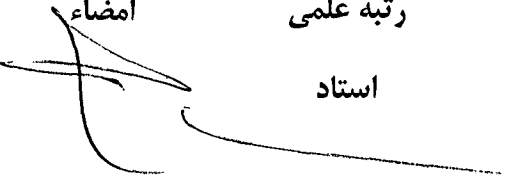
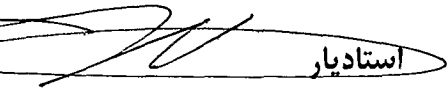
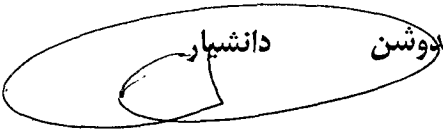
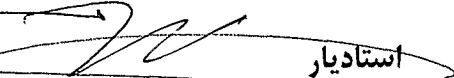
مرا جز تو یاوری نیست.

شبان شایسته ات را فرو فرست تا رهاییم بخشد.

«گاہان، یسنای بیست و نهم، پارہ یکم»

تأیید اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای صدرالدین طاهری تحت عنوان: «پیکره های «الهه باروری» در تمدنهای پیش از تاریخ (با تکیه بر فرهنگهای ایرانی)» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر محمود طاووسی	استاد	
۲- استاد مشاور	دکتر علیرضا هژبری نوبری	دانشیار	
۳- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر فرهنگ خادمی ندوشن	دانشیار	
۵- استاد ناظر	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته
است
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب
آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار
خانم / جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجوی تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب صدرالذکر طرز کار در رشته آموزش هنر مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: طهرانی
تاریخ و امضا:

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیات علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی که با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها / رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب دانشگاه باشد.

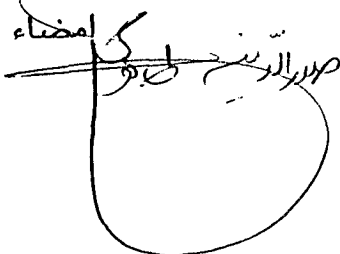
ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما مسئول مکاتبات مقاله باشد. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه / رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام می‌شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل، از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری می‌شود.

نام و نام خانوادگی

امضاء


پیشکش چشم به راهی مادر
که گرمی دلم بود.
و دعای خواهرانم
که گامهایم را استواری بخشید...

چکیده

خدایبانوان باروری محافظین حاصلخیزی و ناظر بارداری و تولد در بسیاری از تمدنهای چندخدایی هستند. گرچه اندیشه یافتن کاربرد آثار به دست آمده از مردمان پیش از تاریخ راهی جز به گمان نمی برد، اما با تکیه بر اساطیر به جای مانده از عهد تاریخی و داستانهای فولکلوریک می توان کارکردهای زیر را برای پیکرکهای بغبانوان باروری برشمرد:

۱. تجسم ایزدبانوی مورد پرستش در منطقه، که غالباً خدای زمین و آبها و در ارتباط با عشق، باروری و حاصلخیزی است.

۲. استفاده در آیینهای باروری زمین، دام و انسان، آیینهای بلوغ، درمان بخشی زنان سترون و یاری بانوان به هنگام زایمان.

۳. نماد مادر، برای قرار دادن در مقابر کودکان در گذشته و همراهی آنان در سفر پس از مرگ. نخستین فصل از این نوشتار به بررسی خدایبانوان مرتبط با حاصلخیزی در میانرودان و شرق میانه، آناتولی، مدیترانه، اروپای پیش از تاریخ، اژه و یونان، رم، اسکاندیناوی، ایرلند، آفریقا، مصر، هند، چین، ژاپن، قاره آمریکا و سرزمینهای شمالی می پردازد.

فرهنگهای ساکن فلات ایران نیز از دوران نوسنگی تا پایان سلسله ساسانی به گونه های متفاوت این ایزدبانوان را ستوده و برای بر سر مهر نگاهداشتنشان نیایشگاه و تندیس ساخته اند. تعدد پیکرکهای باروری بیانگر دیدگاه نیاکان ما به قوانین حاکم بر زندگی است و هراس همیشگی آنان را از قهر طبیعت نشان می دهد. فصل دوم به پیکرکهای ایزدبانوان ایرانی می پردازد. برای آسانتر شدن دسته بندی، این آثار در چارچوب هفت دوره نوسنگی، مس و سنگ، برنز، آهن، هخامنشی، پارتی - سلوکی و ساسانی مورد بررسی قرار گرفته اند؛ گرچه این تقسیم بندی تقریبی است و نمی تواند بر شباهتهای سبکی دلالت نماید.

کلید واژگان: ادیان، اساطیر، الهگان باروری، مادرمرکزی.

شماره رویه ها	فهرست نوشته ها
۱	دبیاچه
۴	کلیات پژوهش
۵	فصل نخست: خدایبانوان باروری جهان باستان
۵	۱ - ۱: میانرودان و شرق میانه
۹	۱ - ۲: آناتولی
۹	۱ - ۳: مدیترانه
۱۰	۱ - ۴: اروپای پیش از تاریخ
۱۱	۱ - ۵: اژه، کرت و یونان
۱۳	۱ - ۶: رم
۱۴	۱ - ۷: اسکاندیناوی
۱۵	۱ - ۸: ایرلند
۱۶	۱ - ۹: آفریقا
۱۸	۱ - ۱۰: مصر
۲۰	۱ - ۱۱: هند
۲۲	۱ - ۱۲: چین
۲۲	۱ - ۱۳: ژاپن
۲۳	۱ - ۱۴: قاره آمریکا
۲۵	۱ - ۱۵: سرزمینهای شمالی
۲۷	نگاره های فصل نخست
۳۲	فصل دوم: خدایبانوان باروری ایران
۳۲	۲ - ۱: خدایبانوان ایرانی
۳۵	۲ - ۲: نوسنگی (Neolithic)، ۸۰۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م
۳۵	۲ - ۲ - ۱: گنج دره
۳۶	۲ - ۲ - ۲: سرآب
۳۶	۲ - ۲ - ۳: زاغه
۳۶	۲ - ۲ - ۴: حاجی فیروز
۳۷	۲ - ۳: مس و سنگ (Chalkolithic)، ۵۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م
۳۷	۲ - ۳ - ۱: چغامیش

۳۷ ۲-۳-۲ جعفرآباد
۳۷ ۳-۳-۲ سنگ چخماق
۳۷ ۴-۳-۲ ماهیدشت
۳۸ ۵-۳-۲ تپه یحیی
۳۸ ۶-۳-۲ تل باکون
۳۸ ۷-۳-۲ چشمه علی
۳۸ ۸-۳-۲ شوش
۳۹ ۹-۳-۲ زاغه
۳۹ ۴-۲ : برنز (Bronze Age)، ۳۰۰۰ تا ۱۳۰۰ ق.م
۳۹ ۱-۴-۲ شهرسوخته
۳۹ ۲-۴-۲ تورنگ
۳۹ ۳-۴-۲ حصار
۴۰ ۴-۴-۲ شهداد
۴۰ ۵-۴-۲ گیان
۴۰ ۶-۴-۲ ملیان
۴۰ ۷-۴-۲ شوش و هفت تپه
۴۳ ۸-۴-۲ حاجی آباد
۴۳ ۹-۴-۲ تنگ سروک
۴۴ ۵-۲ : آهن (Iron Age)، ۱۳۰۰ تا ۵۵۰ ق.م
۴۴ ۱-۵-۲ شاه تپه
۴۴ ۲-۵-۲ مارلیک
۴۴ ۳-۵-۲ کلورز
۴۵ ۴-۵-۲ شوش
۴۵ ۵-۵-۲ حسنلو
۴۵ ۶-۵-۲ لرستان
۴۶ ۷-۵-۲ پیراوند
۴۶ ۸-۵-۲ خوروین
۴۶ ۹-۵-۲ تپه پری
۴۶ ۱۰-۵-۲ زیویه
۴۶ ۶-۲ : هخامنشی، ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م
۴۶ ۱-۶-۲ شوش
۴۷ ۲-۶-۲ لرستان

۴۷ ۲-۷ پارتی - سلوکی، ۳۳۰ ق.م تا ۲۲۶ م:
۴۷ ۲-۷-۱ شوش
۴۸ ۲-۷-۲ سلوکیه
۴۸ ۲-۷-۳ مسجد سلیمان
۴۸ ۲-۷-۴ نهاوند
۴۸ ۲-۷-۵ بختیاری
۴۸ ۲-۷-۶ مافین آباد
۴۸ ۲-۷-۷ عمارلو
۴۹ ۲-۸: ساسانی، ۲۲۶ تا ۶۵۲ م
۴۹ ۲-۸-۱ شوش
۴۹ ۲-۸-۲ حاجی آباد
۵۰ نگاره های فصل دوم
۶۱ کتابنامه پارسی
۶۵ کتابنامه لاتین
۶۹ نشانی تارنماها
۷۰ چکیده لاتین

فهرست نگاره ها

نگاره های فصل نخست:

شماره رویه ها

- ۱-۱. کشته شدن تیامت به دست مردوخ ۲۷
- ۱-۲. آنوبانی نی در برابر اینانا - سر پل ذهاب ۲۷
- ۱-۳. اینانا ۲۷
- ۱-۴. ایشتار - کلکسیون نرمان کولویل ۲۷
- ۱-۵. ایشتار - ماری - ۲۵۰۰ تا ۲۴۰۰ ق.م ۲۷
- ۱-۶. ایشتار - تل برسیپ - سده ۸ ق.م ۲۷
- ۱-۷. نین لیل ۲۷
- ۱-۸. الهه باروری - حسونا - حدود ۶۰۰۰ ق.م ۲۷
- ۱-۹. الهه باروری - حلف - حدود ۵۱۰۰ تا ۶۰۰ ق.م ۲۷
- ۱-۱۰ و ۱-۱۱. آشه راه - فلسطین - سده های ۱۰ تا ۷ ق.م ۲۷
- ۱-۱۲. جام - اوگاریت - سده های ۱۴ تا ۱۳ ق.م ۲۷
- ۱-۱۳. نیک کال - اوگاریت - سده های ۱۴ تا ۱۳ ق.م ۲۷
- ۱-۱۴. الهه باروری - ماری ۲۷
- ۱-۱۵. مامی - بابل ۲۷
- ۱-۱۶. سیدوری - سده ۸ ق.م ۲۷
- ۱-۱۷. اللات - خناسر، سوریه - سده ۱ ق.م ۲۷
- ۱-۱۸. الهه باروری - آناتولی - ۶۰۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م ۲۷
- ۱-۱۹. الهه باروری - چتل هویوک ۲۷
- ۱-۲۰. الهه باروری - چتل هویوک ۲۷
- ۱-۲۱. الهه باروری - قبرس - هزاره ۴ تا ۳ ق.م ۲۷
- ۱-۲۲. بانوی تریکومو - قبرس - سده ۶ ق.م ۲۷
- ۱-۲۳ و ۱-۲۴. ونوس مالتا - موزه ملی مالت - ۳۲۰۰ ق.م ۲۸
- ۱-۲۵. سکه با نقش الهه باروری - کارتاژ ۲۸
- ۱-۲۶. الهه باروری - لاسال، دردنی ۲۸
- ۱-۲۷. ونوس ویلندورف ۲۸
- ۱-۲۸. ونوس لسیوژ ۲۸
- ۱-۲۹. ونوس باراسمیوی ۲۸
- ۱-۳۰ و ۱-۳۱. بتهای سیکلادیک - ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م ۲۸
- ۱-۳۲ تا ۱-۳۴. الاهگان ماری - کرت ۲۸
- ۱-۳۵. الهه ماری - مینوس - سده های ۱۵ تا ۱۶ ق.م ۲۸

- ۲۸ ۱-۳۶. مادر و کودک - تاناگرا، یونان - ۵۵۰ ق.م
- ۲۸ ۱-۳۷. گایا - سده ۷ ق.م
- ۲۸ ۱-۳۸. سکه با نقش هرا
- ۲۸ ۱-۳۹. نقاشی دیواری هرا
- ۲۸ ۱-۴۰. نقش هستیا بر روی سفال
- ۲۸ ۱-۴۱. دیمتر و پرسیفون - سیرنه
- ۲۸ ۱-۴۲. آفرودیت میلو
- ۲۸ ۱-۴۳. حمام آفرودیت
- ۲۸ ۱-۴۴. آرتمیسیس
- ۲۹ ۱-۴۵. بندیس
- ۲۹ ۱-۴۶. آتنا
- ۲۹ ۱-۴۷. جونو
- ۲۹ ۱-۴۸. وستا
- ۲۹ ۱-۴۹. سرس
- ۲۹ ۱-۵۰. دیانا
- ۲۹ ۱-۵۱. مینروا
- ۲۹ ۱-۵۲. تولد ونوس - بوتیچلی - سده ۱۵ م
- ۲۹ ۱-۵۳. دیانا - دورا اورپوس - سده ۲ م
- ۲۹ ۱-۵۴. الهه باروری - کارونت، ولز جنوبی
- ۲۹ ۱-۵۵. اپونا - راین
- ۲۹ ۱-۵۶. اپونا
- ۲۹ ۱-۵۷. الاهگان دئامترس - راین
- ۲۹ ۱-۵۸. ونوس تان تان - مراکش
- ۲۹ ۱-۵۹. تندیس عاج الهه باروری - بنین
- ۲۹ ۱-۶۰. پیکره جده - مالی
- ۲۹ ۱-۶۱. خدای برنج - سیرالئون
- ۲۹ ۱-۶۲. مادر زمین - ایبو
- ۲۹ ۱-۶۳. خدای طوفان یوروباه
- ۲۹ ۱-۶۴. تندیس سفالین مادر با کودک
- ۲۹ ۱-۶۵. خدایبانوی زمین - موسی
- ۲۹ ۱-۶۶. پاسدار روح زن - سیرالئون
- ۲۹ ۱-۶۷. آکوابا - غنا

- ۳۰ ۱-۶۸. آکوآبا - غنا
- ۳۰ ۱-۶۹. عروسک - غنا
- ۳۰ ۱-۷۰. به ست - سودان
- ۳۰ ۱-۷۱. تندیس تمنای باران - سودان
- ۳۰ ۱-۷۲. ایزیس
- ۳۰ ۱-۷۳. ایزیس در حال شیر دادن به هوروس
- ۳۰ ۱-۷۴. نوت (آسمان) بر بالای جب (زمین) خیمه زده است
- ۳۰ ۱-۷۵. تفنوت
- ۳۰ ۱-۷۶. الهه نیل تا ورت
- ۳۰ ۱-۷۷. هاتور
- ۳۰ ۱-۷۸. هاتور بر آینه
- ۳۰ ۱-۷۹. سخمت
- ۳۰ ۱-۸۰. نخبت
- ۳۰ ۱-۸۱. نیت
- ۳۰ ۱-۸۲. بست
- ۳۰ ۱-۸۳. سلکت
- ۳۰ ۱-۸۴. مسخت
- ۳۰ ۱-۸۵. ماعت
- ۳۰ ۱-۸۶. الهه مادر - موهنجودارو
- ۳۰ ۱-۸۷. دختر رقصان - موهنجودارو
- ۳۰ ۱-۸۸. الهه زمین - لوریا
- ۳۰ ۱-۸۹. ایزدبانوی بالدار - بساره
- ۳۰ ۱-۹۰. پارواتی در حال شیر دادن به گانشا
- ۳۰ ۱-۹۱. کالی
- ۳۱ ۱-۹۲. دورگا
- ۳۱ ۱-۹۳. کالی نیپال
- ۳۱ ۱-۹۴ و ۱-۹۵. یاکشی
- ۳۱ ۱-۹۶. کوآن بین
- ۳۱ ۱-۹۷. تولد کوآن بین
- ۳۱ ۱-۹۸. فنگ هوآنگ
- ۳۱ ۱-۹۹. هنگ ئو
- ۳۱ ۱-۱۰۰. بنتن

۳۱ ۱-۱۰۱. کیشی جوتن
۳۱ ۱-۱۰۲. کوآن نون
۳۱ ۱-۱۰۳. الهه دو سر
۳۱ ۱-۱۰۴. ایزدبانوی آب
۳۱ ۱-۱۰۵. سیواکوآتل
۳۱ ۱-۱۰۶. تلاسولتئوتل
۳۱ ۱-۱۰۷. تلاسولتئوتل
۳۱ ۱-۱۰۸. کوآتلیکوئه
۳۱ ۱-۱۰۹. چالچیوتلیکوئه
۳۱ ۱-۱۱۰. سنته توئل
۳۱ ۱-۱۱۱. مایاول
۳۱ ۱-۱۱۲. کویلشاوکی
۳۱ ۱-۱۱۳. ایشچل
۳۱ ۱-۱۱۴. آتابیرا - پورتوریکو
۳۱ ۱-۱۱۵. ونوس مالاتا
۳۱ ۱-۱۱۶. آرناکواگساک
۳۱ ۱-۱۱۷. سدنا
۳۱ ۱-۱۱۸. نریویک

نگاره های فصل دوم:

۵۰ ۲-۲ و ۲-۲. گنجدره
۵۰ ۲-۳. سرآب
۵۰ ۲-۸ تا ۲-۵. زاغه
۵۰ ۲-۹. حاجی فیروز
۵۰ ۲-۱۶ تا ۲-۱۰. چغامیش
۵۰ ۲-۱۷ و ۲-۱۸. جعفرآباد
۵۱ ۲-۲۱ تا ۲-۱۹. سنگ چخماق
۵۱ ۲-۲۲. ماهیدشت
۵۱ ۲-۲۳. تپه یحیی
۵۱ ۲-۴۳ تا ۲-۲۴. تل باکون
۵۱ ۲-۴۴. چشمه علی
۵۱ ۲-۵۰ تا ۲-۴۵. شوش
۵۲ ۲-۵۱. زاغه

۵۲	۲-۵۸ تا ۲-۵۲. شهر سوخته
۵۲	۲-۶۱ تا ۲-۵۹. تورنگ
۵۲	۲-۶۶ تا ۲-۶۲. حصار
۵۲	۲-۶۷. شهداد
۵۲	۲-۶۸. گیان
۵۲	۲-۷۰ و ۲-۶۹. ملیان
۵۳	۲-۹۵ تا ۲-۷۱. شوش و هفت تپه
۵۴	۲-۱۲۴ تا ۲-۹۶. شوش و هفت تپه
۵۵	۲-۱۴۱ تا ۲-۱۲۵. شوش و هفت تپه
۵۵	۲-۱۴۲. حاجی آباد
۵۵	۲-۱۴۳. تنگ سروک
۵۵	۲-۱۴۵ تا ۲-۱۴۴. شاه تپه
۵۵	۲-۱۴۸ تا ۲-۱۴۶. مارلیک
۵۶	۲-۱۵۲ تا ۲-۱۴۹. مارلیک
۵۶	۲-۱۵۳. کلورز
۵۶	۲-۱۵۴. شاید گیلان
۵۶	۲-۱۵۸ تا ۲-۱۵۵. شوش
۵۶	۲-۱۶۱. حسنلو
۵۶	۲-۱۶۲. شاید شمالغرب ایران
۵۶	۲-۱۷۶ تا ۲-۱۶۳. لرستان
۵۷	۲-۱۷۹ تا ۲-۱۷۷. لرستان
۵۷	۲-۱۸۰. پیراوند
۵۷	۲-۱۸۱. خوروین
۵۷	۲-۱۸۲ و ۲-۱۸۳. تپه پری
۵۷	۲-۱۸۴ و ۲-۱۸۵. زیویه
۵۷	۲-۱۸۸ تا ۲-۱۸۶. شوش
۵۷	۲-۱۹۰. لرستان
۵۷	۲-۲۱۳ تا ۲-۱۹۱. شوش
۵۸	۲-۲۳۳ تا ۲-۲۱۴. شوش
۵۹	۲-۲۴۲ تا ۲-۲۳۴. شوش
۵۹	۲-۲۴۳. سلوکیه
۵۹	۲-۲۴۴ و ۲-۲۴۵. مسجدسلیمان

- ۵۹ ۲-۲۴۶. نه‌اوند
- ۵۹ ۲-۲۴۷. بختیاری
- ۵۹ ۲-۲۴۸. مافین آباد
- ۵۹ ۲-۲۴۹. عمارلو
- ۵۹ ۲-۲۵۰ تا ۲-۲۵۶. شوش
- ۵۹ ۲-۲۵۷ تا ۲-۲۵۹. حاجی آباد
- ۵۹ ۲-۲۶۰. استخر

تندیسها

توین بی می گوید: «مادر کهنترین سوژه هنری انسان است.» (توین بی، ۱۳۶۲: ۳۵۰) از نمونه آثاری که فراوان در کاوش محوطه های پیشاتاریخی بدانها بر می خوریم پیکرکهای گلی یا سنگی با اندامهای استیلیزه است که با تأکید بر ویژگیهای زنانه ساخته شده اند. باستان شناسان زمانی این تندیسها را ونوس می نامیدند، اما از آنجایی که نام خدایی رمی نمی توانست گویای ویژگیهای این اشیای رازپوشیده باشد، امروزه آنها با عنوان کلی الهه باروری (Fertility Goddess) شناخته می شوند.

برخی از این پیکرکها را می توان به سبب تأثیرگذاری و بیانگری ژرف، در زمره آثار درخشان تاریخ هنر به شمار آورد. با این حال به سختی می توان باور کرد آنها به عنوان اشیایی تزئینی ساخته شده باشند. در این تندیسها معمولاً زیبایی و لطفی دیده نمی شود، بسیاری از آنها فاقد صورت هستند ولی علائم زنانه در آنها به طور برجسته ای نمایان است. (چایلد، ۱۳۴۲: ۳۴) بیشتر این پیکرکها حالت نشسته دارند. گیمبوتا معتقد است این تکیه و پیوستگی آنها به خاک می تواند نمایانگر عملکرد آنها به عنوان الهه زمین باشد. (Gimbutas, 1972: 318) فربھی بیش از حد این تندیسها نشانگر تفاوتی است که در دید زیبایی شناختی میان ما و نیاکان پیشا تاریخیمان حاصل شده است. دوران ت می نویسد که میان اقوام بدوی ساکن آفریقا فربھی بیش از حد مهمترین دلیل زیبا دانستن یک بانوست. (دورانت، ۱۳۳۷: ۸۳)

مردمان پیش از تاریخ غالباً با هدف نزدیکی به منابع نیروی باروری (که در قالب یک ایزدبانو تجسم می شدند) یا برای به دست آوردن رضایت و همکاریشان، تندیسهایی از آنان ساخته اند و به نیایشگاهها هدیه یا در کنار مردگانشان دفن کرده اند. این رسم در دوران تاریخی نیز با وجود استقرار ادیان و آداب نو به گونه ای آراسته تر ادامه یافته. پیکرکهای باروری را می توان تجسم ایزدبانوی مورد پرستش در منطقه دانست، که غالباً خدای زمین و آبها و در ارتباط با عشق، باروری و حاصلخیزی است. ممکن است در آیینهای باروری زمین، دام و انسان، آیینهای بلوغ، درمان بخشی زنان سترون و یاری بانوان به هنگام زایمان نیز از این تندیسها استفاده شده باشد. فریزر معتقد است: «غرض از این نمایشهای مقدس تازه و توانا کردن قوای فرورمده طبیعت از طریق جادوی همدلانه بود تا درختان بار آورند، خوشه های غلات پر دانه شوند و انسانها و حیوانات به تولیدمثل بپردازند.» (فریزر، ۱۳۸۲: ۴۳۷)

برخی از انسان شناسان بر آنند که در دوره های کهن جامعه ابتدایی زیر سلطه زنان بوده است و «مادرتباری» بازمانده آن دوران یعنی «مادرسالاری» است. (آزادگان، ۱۳۷۲: ۲۵) مادرمرکزی در میان برخی جوامع، بسیار دیرتر پاییده - از جمله تا قرن ۸ م در ژاپن (روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۷۱۲) و تا قرن نوزدهم م در میان بومیان استرالیا (ناس، ۱۳۸۲: ۲۹) - و تغییر این ساختار اغلب به سبب یورش بیابانگردان پدرمرکز بوده است؛ این دوران گذار را می توان با نشستن یک خدای نرینه به جای یک مادرخدا در جایگاه ریاست خاندانهای ایزدی مرتبط دانست، مثلاً جایگزینی مردوک با تیمت در میانرودان، هومبان با پی نی گیر در ایلام، اورانوس با گایا در یونان و...؛ نشانه هایی از آن دوره هنوز در کلام ما باقیست، چنانکه از «زبان مادری» و «مام میهن» سخن می گوئیم.

بار معنایی اصلی «مادر مرکزی» (Matriarchy) نه تنها قدرت زنانه، که قدرت زن به عنوان مادر است. قدرت زنانه به سبب جایگاه مادری زن در اجتماع بدو اعطا می شود. (Bamberger, 1974: 263)

بسیاری از باورها، جشنها و مراسم دینی در ارتباط با نیازهای اقتصادی بشر شکل گرفته اند. نیاز به محصول و رمه بیشتر برای سیر ماندن؛ و فرزند بیشتر برای یاری در کاشت، حراست از زمین و نیرو بخشیدن به خانواده و قبیله در هنگام جنگ.

بخشی از این مناسک در میان تمدنهای باستانی مشترکند. رقص غله که در هنگام کاشتن بذر با افشاندن خون قربانی حیوانی یا حتی انسانی و دفن جسد او در زمین بایر انجام می گیرد، یا تقدیم اولین محصول نوبر از میوه یا غله یا فرزند به خدایان، یا پرستش گاو نر و بز ماده و دیگر حیوانات و مراسم نمایشی ازدواج خدایان با الاهیگان حاصلخیزی که به وسیله هنرپیشگان صورت می گیرد. (ناس، ۱۳۸۲: ص ۱۷)

گرچه هنوز پژوهشی گسترده برای رد یا پذیرش این فرض در ایران صورت نگرفته، اما شواهدی از مادرمرکزی (Matriarchy) در برخی فرهنگهای ایرانی به دست آمده است. از این میان می توان به یافتن تعداد زیادی مهر تجاری در گورهای زنانه شهرسوخته اشاره کرد. (See: Sajjadi, 2003) هرودت ماسازتها را مادرسالار می نامد (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۲۵۲) و اعتقاد به تأثیر این رسم بر اقوام جنوبیتر دارد. کتیبه های مکشوفه از شوش شاهد حضور زنان در امور تجاری و حقوقی است، به گونه ای که گاه تمام دارایی شخص به دختر یا همسرش ارث رسیده. (کار، ۱۳۶۵: ۸۵) در ایلام میانه مشروعیت سلطنت از طریق شاخه زن تداوم می یافت. (هینتس، ۱۳۷۱: ۲۵۳) این جایگاه زنان ایلامی، و ایستادن زنان در کنار مردان و گاه برتر از آنان در دوره هخامنشی به شهادت کتیبه های یافته شده در پارسه (نک: کخ، ۱۳۷۶) می تواند رشته هایی باشند که ما را به دوران مادرمرکزی در ایران پیش از تاریخ ارتباط می دهند.